

رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی، پاداش هیئت‌مدیره و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

محمدرضا عسگری^۱ و نرگس عظیمی^۲

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد واحد یادگار امام (ره) شهری گروه مدیریت بازرگانی ایران
۲. کارشناس ارشد مدیریت کسب و کار (mba) از دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام (ره) شهری

چکیده

در این تحقیق ما به بررسی رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی، پاداش هیئت‌مدیره و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران پرداختیم. در این پژوهش برای اندازه‌گیری کیفیت حاکمیت شرکتی طبق آیین‌نامه نظام راهبری شرکتی مصوب سال ۱۳۸۶ و همچنین بر اساس مقاله حساس‌یگانه (۱۳۸۵)، این متغیر کیفی با توجه به ۶۹ عامل اندازه‌گیری می‌شود و برای اندازه‌گیری پاداش هیئت‌مدیره بر مبنای ماده ۱۳۴ قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، در صورتیکه در اساسنامه پیش-بینی شده باشد، مجمع عمومی می‌تواند مطابق با ماده ۲۴۱ همین قانون، نسبت معینی از سود خالص سالانه شرکت را به‌عنوان پاداش به اعضای هیئت‌مدیره تخصیص دهد، استفاده شده است. برای اجتناب مالیاتی از نسبت هزینه مالیات به درآمد قبل بهره و مالیات استفاده شده است. همچنین، متغیرهای ارزش بازار به ارزش دفتری، اندازه شرکت، سودآوری، اهرم مالی و فروش به کل دارایی‌ها به‌عنوان متغیرهای کنترلی تاثیرگذار بر اجتناب مالیاتی، وارد مدل شده‌اند. برای آزمون فرضیه‌ها تعداد ۹۰ شرکت که طی سال‌های ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۴ عضو بورس اوراق بهادار بوده‌اند، انتخاب شدند، در این تحقیق از رگرسیون تلفیقی و روش EGLS استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد کیفیت حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی رابطه منفی دارد و هرچه میزان کیفیت حاکمیت شرکتی بیشتر باشد اجتناب مالیاتی کمتری صورت می‌گیرد. همچنین، نتایج این پژوهش نشان داد که پاداش هیئت‌مدیره با اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معناداری دارد، به عبارت دیگر هر چه میزان پاداش هیئت‌مدیره بیشتر باشد انگیزه مدیران برای کاهش و فرار از پرداخت مالیات کاهش می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: کیفیت حاکمیت شرکتی، پاداش هیئت‌مدیره، اجتناب مالیاتی.

۱-مقدمه

مالیات یکی از متغیرهای مهمی است که دولت‌ها به‌وسیله آن در متغیرهای کلان اقتصادی اثر می‌گذارند. در گذشته؛ هدف از وضع و اخذ مالیات تأمین مالی دولت‌ها بوده است. اما به‌تدریج و با آشکار شدن آثار اقدامات مالی دولت، مالیات به‌عنوان ابزاری برای رشد، ثبات و کاهش نابرابری تلقی و مورد توجه قرار می‌گیرد (پور زمانی و شمسی، ۱۳۸۸). شواهد تجربی نشان می‌دهد شرکت‌ها سعی در کاهش و به تعویق انداختن مالیات بر درآمد خود دارند. اجتناب مالیاتی، فرار مالیاتی، مدیریت سود، محافظه‌کاری و غیره ابزارهایی هستند که شرکت‌ها ممکن است در صورت لزوم بسته به شرایط از آن‌ها استفاده نمایند.

مالیات‌ها باعث ایجاد هزینه برای شرکت می‌شود، و کاهش آن باعث می‌شود که جریان نقد در دسترس شرکت و سهامداران قرار گیرد که این منجر می‌شود که شرکت‌ها و سهامداران تشویق شوند از طریق اجتناب مالیاتی، مالیات خود را کاهش دهند. نرخ مؤثر مالیاتی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های کارایی مالیاتی کاربردهای گسترده‌ای دارد. نرخ مؤثر مالیاتی عبارت است از نرخی واحد که بر اساس آن از فعالیت مشمول مالیات، مالیات اخذ می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، این نرخ از تقسیم مالیات بخش مورد نظر بر پایه درآمد آن بخش حاصل می‌گردد (آقایی، ۱۳۸۰). تحقیقات صورت گرفته مبین آن است که نرخ مؤثر مالیاتی از نرخ قانونی متفاوت خواهد بود (حسنی و شفیع، ۱۳۸۹). دلیل این امر نیز وجود انواع معافیت‌های مالیاتی یا تمکین ناقص مالیاتی (سیاست‌های مالیاتی جسورانه) از سوی مؤدیان مالیاتی است. در واقع، نرخ مؤثر مالیاتی خالص بار مالیاتی ناشی از برآیند انواع مالیات‌ها را نشان می‌دهد یکی از فرض‌های اساسی در ادبیات مالی آن است که هر شرکتی باهدف حداکثر ساختن ثروت سهامداران خود تشکیل می‌شود و به‌منظور دستیابی به هدف مذکور، مدیریت شرکت باید در تصمیم‌گیری‌های خود، به عامل بازده توجه داشته باشد. وجود مالیات بر درآمد شرکت‌ها باعث کاهش عایدات واحد تجاری واحد تجاری می‌گردد. بنابراین یکی از اقداماتی که می‌تواند در جهت حداکثر ساختن ارزش شرکت و ثروت سهامداران انجام پذیرد.

اجتناب مالیاتی به فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که مدیریت با استفاده از اختیارات خود و اقلام تعهدی حسابداری اقدام به کاهش و دست‌کاری سود به‌منظور کاهش مالیات پرداختی می‌کند (دسای و دارماپالا، ۲۰۰۶). رگو^۱ (۲۰۰۳)، اجتناب مالیاتی را به‌عنوان استفاده از روش‌های برنامه‌ریزی مالیاتی که به‌طور قانونی، پرداخت مالیات بر درآمد شرکت‌ها را کاهش می‌دهد، تعریف کرده است. اجتناب مالیاتی به‌طور کلی کاهش آشکار مالیات تعریف شده است (هانلون و هتزن^۲، ۲۰۰۹). اجتناب مالیاتی به‌طور متداول به ابزارهای صرفه‌جویی مالیات که منابع را از دولت به سهامداران انتقال می‌دهد و بنابراین ارزش بعد از مالیات شرکت را افزایش می‌دهد، مربوط می‌شود (دسای و دارماپالا، ۲۰۰۹).

اکثراً برای اندازه‌گیری‌های اجتناب مالیاتی از داده‌های صورت‌های مالی استفاده می‌شود زیرا بازده‌های مالیات عموماً در دسترس نیستند. استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی می‌توانند به دلایل مختلف درآمد مشمول مالیات بعنوان یک معیار برای سودهای حسابداری در نظر بگیرند، و به ارزیابی مالیات جسورانه شرکت بپردازند (هانلون^۳، ۲۰۰۳؛ و همکاران^۴، ۲۰۰۳).

معاملات اجتناب مالیاتی برای مقاصد مالیاتی و دفتری بطور متفاوت محاسبه شده است. مطابق با اجتناب مالیاتی، در حسابداری مالی زمانی که اجتناب مالیاتی بکار گرفته می‌شود درآمد کاهش می‌یابد یعنی در این تعریف تمام معاملاتی را که بر بدهی مالیاتی شرکت اثر دارند، منعکس می‌کند و بین فعالیت‌های واقعی با مطلوبیت مالیاتی، فعالیت‌های اجتنابی که به منظور کاهش مالیات انجام می‌شود و لابی‌هایی که برای کسب مزایای مالیاتی انجام می‌شوند، تمایز قائل نمی‌شود (هانلون، هیتزن^۴، ۲۰۱۰).

شواهد اخیر نشان می‌دهد که اقدامات مدیریتی صورت گرفته برای کاهش مالیات شرکتی از طریق اجتناب مالیاتی در حال تبدیل شدن به یک ویژگی معمول و فزاینده در دورنمای شرکت‌ها در بسیاری از کشورهای جهان است. یکی از دلایلی که شرکت‌ها اجتناب مالیاتی را انجام می‌دهند، ویژگی جاننشین بدهی بودن آن است (گراهام و توکر^۴، ۲۰۰۶؛ لیم^۵، ۲۰۱۱).

1 Desaei&Darmapala

2 Rego

3 Hanlon&Hitzman

4 Graham&Tuker

به عبارت دیگر صرفه جویی مالیات شرکت‌ها که از اجتناب مالیاتی حاصل می‌شود، می‌تواند برای تأمین مالی پروژه‌های شرکت استفاده شود. از آنجاکه هزینه‌های مالیاتی یکی از مهم‌ترین هزینه‌های شرکت‌ها است و موجب خروج نقدینگی از شرکت‌ها شده و سود سهامداران را کاهش می‌دهد، هزینه مالیات و مالیات قابل پرداخت همواره مورد توجه مدیران اجرایی و هیات مدیره و همچنین سهامداران شرکت‌ها است لذا اتخاذ اجتناب مالیاتی از جمله خط‌مشی‌هایی است که در ارزیابی عملکرد مدیران از سوی سهامداران و بازار سرمایه مورد توجه قرار می‌گیرد (اوسمیک، ۲۰۰۱).

مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی برای عملکرد صحیح بازار سرمایه و کل اقتصاد کشور، حیاتی و لازمه جلب و حفظ اعتماد عمومی است. حاکمیت مناسب شرکتی این اطمینان را پدید می‌آورد که بنگاه‌ها سرمایه خود را به‌طور مؤثر بکار گرفته‌اند. به علاوه این اطمینان را پدید می‌آورد که شرکت‌ها منافع دامنه وسیعی از گروه‌های ذینفع و همچنین جامعه‌ای را که شرکت در آن به فعالیت مشغول است، در نظر گرفته‌اند و هیئت‌مدیره در برابر سهامداران و شرکت پاسخگوست. زمانی که ساختار حاکمیت شرکتی از اصول ضعیفی برخوردار باشد، تضاد سرمایه‌گذاران بزرگ و کوچک نیز افزایش می‌یابد. مطالعات مربوط به حاکمیت شرکتی در ابتدا به‌منظور استفاده از آن در شرکت‌های خاص صورت می‌گرفت اما این موضوع گسترش یافته در بسیاری از کشورها به‌صورت قانون تدوین شد. بررسی وقایع مربوط به ورشکستگی شرکت‌های بزرگ از قبیل انرون، ووردکام، آدفی، سیکو، لیوسنت، گلوبال، کروسینگ، سان بیم، تیکو، اکس و بحران مالی ۱۹۹۷ آسیا که موجب زیان بسیاری از سرمایه‌گذاران و ذی‌نفعان شد نشان داد منشأ اصلی این وقایع، سیستم‌های ضعیف حاکمیت شرکتی، دست‌کاری سود و گزارش سوددهی واهی و بی‌کیفیت بود. اغلب، مدیران این شرکت‌ها با توسل به روش‌های متقلبانه نظیر طراحی و انجام معاملات صوری و ساختگی با اشخاص وابسته به‌قصد مدیریت سود، کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت سود را تا حد ممکن به پایین‌ترین سطح تنزل داده بودند (بولو^۵، ۱۳۸۵). به لحاظ بااهمیت بودن تأثیر وجود سازوکارهای لازم و دستیابی به کیفیت مطلوب شود، اکثر جوامع تلاش‌هایی را برای فراهم کردن این‌گونه سازوکارها انجام داده‌اند. از جمله این سازوکارها، وجود یک سیستم حاکمیت شرکتی مناسب در شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی است که اکثر کشورها به تقویت و بهبود آن همت گمارده‌اند. یکی از نقش‌های حاکمیت شرکتی کاهش تضاد منافع بین سهامداران و مدیران است. نقش حاکمیت شرکتی زمانی مفیدتر است که مدیران از منافع سهامداران منحرف می‌شوند (ماهر^۶ و اندرسون^۷، ۲۰۰۰). مدیریت سود زمانی رخ می‌دهد که مدیر برای گزارشگری مالی از قضاوت شخصی خود استفاده می‌کند، و این کار را باهدف گمراه کردن برخی از سهامداران درباره عملکرد واقعی اقتصادی و یا برای تأثیر قراردادهایی که به ارقام حسابداری گزارش شده بستگی دارند، انجام می‌دهد (هیلی^۸ و واهلن^۹، ۱۹۹۹). به‌طور عام، پاداش مدیریت، راه‌حل اصلی مساله حاکمیت شرکتی (نمایندگی) تصور می‌شود. براساس این اعتقاد، در صورت استقرار الگوی مناسب برای پرداخت پاداش، مدیران در جهت منافع سهامداران و وام‌دهندگان فعالیت می‌کنند. دلیل اصلی طرح پاداش این است که باید به مدیران به خاطر مسئولیت‌های سازمانی که بر عهده دارند، پاداش داد و انگیزه لازم را برای عملکرد بهتر در آنان ایجاد کرد.

حال با توجه به تحقیقات گذشته این سؤال مطرح می‌شود که آیا رابطه‌ای بین حاکمیت شرکتی مناسب، پاداش‌های هیئت‌مدیره و اجتناب مالیاتی وجود دارد؟

۲- پیشینه پژوهش

جنسن و مک‌لینگ (۲۰۱۶) تضاد بین سهامداران و مدیران را تجزیه و تحلیل کرده، نشان دادند که برای کاهش هزینه نمایندگی، باید پاداش مدیران با ارزش ایجاد شده برای سهامداران مرتبط باشد. پاداش بر مبنای ارزش ایجاد شده، روشی سالم برای رسیدن به این هدف است.

5 Lim

6 Bolo

7 Maher

8 Anderson

9 Healy

10 Wahlen

آرمسترانگ و همکاران^{۱۱} (۲۰۱۶) در تحقیقی به تبیین مشوق‌های مؤثر بر برنامه‌ریزی مالیاتی پرداختند. افراد مذکور، از یک مجموعه داده اختصاصی که حاوی اطلاعات مربوط به طرح‌های پاداش به صورت جزئی بود، استفاده نمودند. همچنین از معیار-هایی همچون نرخ مؤثر مالیاتی بر مبنای استانداردهای حسابداری، نرخ مؤثر مالیاتی نقدی و اختلاف بین درآمد دفتری و درآمد مشمول مالیات استفاده نمودند. یافته‌های این تحقیق بیانگر آن بود که بین طرح‌های تشویقی پاداش مدیران مالیاتی با نرخ مؤثر مالیاتی محاسبه‌شده بر اساس استانداردهای حسابداری رابطه‌ای منفی و معنادار وجود دارد، اما بین طرح‌های مذکور با سایر معیارهای استفاده‌شده ارتباطی ضعیف وجود دارد. محققان در توجیه نتایج حاصله، بر این باور بودند که مدیران فعال در امور مالیاتی شرکت‌ها با مشوق‌هایی سروکار دارند که در صورت کاهش هزینه مالیات گزارش‌شده در صورت‌های محقق خواهد شد.

مک‌گوایر، توماس و دیچان^{۱۲} (۲۰۱۶) به بررسی رابطه‌ی تخصص مالیاتی حساب‌برسان و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها مشخص کرد اگر موسسه حسابرسی، متخصص مالیاتی باشند، مشتریانی که خدمات مالیاتی را از این موسسه‌ها دریافت می‌کنند، بیشتر درگیر مالیات جسورانه هستند. از سوی دیگر، نتایج نشان داد شرکت‌هایی که موسسه‌های حسابرسی آن‌ها متخصص کلی صنعت‌اند، سطح اجتناب مالیاتی بیشتری نسبت به سایر شرکت‌ها دارند.

آرمسترانگ و همکاران^{۱۳} (۲۰۱۵) به این موضوع پرداختند که آیا مالکیت نهادی عاملی اثرگذار بر اجتناب مالیاتی است یا خیر؟ آن‌ها نتیجه گرفتند شرکت‌هایی که مالکین نهادی بیشتری دارند، اجتناب مالیاتی بیشتری دارند. آن‌ها نتیجه گرفتند شرکت‌هایی که مالکین نهادی بیشتری دارند، مالیات جسورانه بیشتری دارند.

چایز و همکاران^{۱۴} (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان اطمینان بیش‌ازحد مدیریتی و اجتناب مالیاتی به بررسی تأثیر بیش‌ازحد مدیریتی بر اجتناب مالیاتی پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد اطمینان بیش‌ازحد مدیریتی بر اجتناب مالیاتی تأثیر مثبت معناداری می‌گذارد. از نتایج دیگر اینکه اطمینان بیش‌ازحد مدیریتی، نرخ مؤثر مالیات نقدی را ۶٫۶٪ کاهش می‌دهد و بر تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات ۱٫۵٪ می‌افزاید.

مینیک و نوگا^{۱۵} (۲۰۱۵) نشان دادند مدیریت مالیات سهامداران را منتفع می‌سازد و رابطه مثبتی با افزایش بازده سهامداران دارد. این مطلب مبین آن بود که مدیریت مالیات و اجتناب مالیاتی فعالیت‌های ارزش افزا می‌باشند.

لاجیلی و زگال^{۱۶} (۲۰۱۵) دریافتند که شرکت‌های دارای بحران و درماندگی مالی، علاوه بر دارا بودن شاخص‌های سلامت مالی و تجاری پایین‌تر، دارای چرخش هیئت‌مدیره بیشتر و همچنین دوره تصدی کمتر اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره بوده‌اند. چن و همکاران^{۱۷} (۲۰۱۴) سطح اجتناب مالیاتی شرکت‌های خانوادگی و غیر خانوادگی را با یکدیگر مقایسه کرد و به این نتیجه رسیدند شرکت‌های خانوادگی نسبت به رقبای خود از پرداخت مالیات کمتر اجتناب می‌کنند منظور از شرکت‌های خانوادگی، شرکت‌هایی هستند که اعضای خانواده‌ی مؤسس شرکت، اعم از نسبی و سببی، در مقام مدیریت ارشد، هیئت‌مدیره یا سهامداران عمده و بلوکی به فعالیت ادامه می‌دهند.

لامبرت^{۱۸} (۲۰۱۴) به بررسی تئوری نمایندگی در قالب قراردادهای بلندمدت پرداخت. او در این تحقیق به این نتیجه رسید که اگر قرارداد پاداش برای مدت بیش از یک سال بسته شود، هم سهامداران و هم مدیران در شرایط بهتری قرار خواهند داشت. پاداش مدیر در پایان یک دوره باید متناسب با عملکرد او در طی دوره و عملکرد او در دوره‌های قبل باشد. در نتیجه، قرارداد بهینه پاداش باید در دوره‌های قبل باشد. در نتیجه، قرارداد بهینه پاداش باید هم دوره جاری و هم سال آینده را برای انگیزه‌مند شدن مدیر در برگیرد. یک قرارداد بهینه، انگیزه زمان حال مدیر را به انگیزه زمان آینده متصل می‌کند، اما نه به گونه‌ای که مدیر تعهد دهد برای مدت باقی مانده زمان قرارداد در شرکت باقی بماند.

11 Armstrong et al

12 Mackgovar&Thomas&Dichan

13 Chayz et al

14 Minick&Nouka

15 Chen et al

اندرسون و همکارانش (۲۰۱۳) نشان دادند که هم پاداش نقدی و هم پاداش مبتنی بر سهام، دارای همبستگی مثبتی با بازده حسابداری و بازده بازار است، اما تاثیر نسبی بازده بازار در مقایسه با بازده حسابداری، بر پاداش مبتنی بر سهام، بسیار بیشتر از تاثیر آن بر پاداش نقدی پرداختی است. همچنین، آنان نشان دادند که حساسیت عملکرد جاری شرکت نسبت به پاداش نقدی، بیشتر از حساسیت آن نسبت به پاداش مبتنی بر سهام است.

کرانا و موسر^{۱۶} (۲۰۱۳) به این موضوع پرداختند که آیا مالکیت نهادی بر اجتناب مالیاتی مؤثر است یا خیر. آن‌ها برای اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی نرخ مؤثر مالیات نقدی ۵ ساله و BTD دائمی سالانه طی سال‌های ۱۹۹۵ الی ۲۰۰۸ استفاده کردند و به این نتیجه رسیدند که شرکت‌هایی با سطح مالکیت نهادی عموماً از پرداخت مالیات، بیشتر اجتناب می‌کنند.

کیم و همکاران^{۱۷} (۲۰۱۳) با بررسی یک نمونه بزرگ از شرکت‌ها طی دوره‌ی ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۸ دریافتند اجتناب مالیاتی شرکت‌ها با ریسک سقوط قیمت سهام در سطح شرکت رابطه‌ی مثبت دارد. چنین نتیجه‌ای با این دیدگاه مطابقت دارد که اجتناب مالیاتی برای مدیران فرصتی فراهم می‌کند تا با رفتارهای فرصت‌طلبانه، اخبار بد را پنهان و انباشته کنند. این امر موجب می‌شود قیمت سهام بیش از واقع ارزیابی شده و حباب قیمت ایجاد شود. مهم‌تر اینکه پنهان کردن اطلاعات منفی درباره‌ی شرکت، فرصت انجام اقدامات اصلاحی به‌موقع یا کنار گذاشتن پروژه‌های ضعیف و نامناسب را از سرمایه‌گذاران و هیئت‌مدیره می‌گیرد. زمانی که اخبار بد به اوج خود می‌رسند و همه یک‌باره آشکار می‌شوند، قیمت سهام شرکت سقوط می‌کند.

ویلسون^{۱۸} (۲۰۱۲) به توسعه نوعی از شرکت‌ها که از سپر مالیاتی استفاده می‌کنند پرداختند. یافته‌های شرکت‌های فعال و درگیر در سپر مالیاتی نسبت به تطبیق آن با کنترل ساده نشان می‌دهد که بدهی به میزان ۰.۱۱٪ کاهش یافته است.

دسای و دارماپالا^{۱۹} (۲۰۱۲) پس از بررسی رابطه‌ی اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت، به دو دیدگاه ارزش‌آفرینی برای اجتناب مالیاتی رسیدند. آن‌ها با تشکیل نمونه‌هایی از شرکت‌های بزرگ سهامی عام آمریکایی، اثر اجتناب مالیاتی بر منافع سهامداران را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که میانگین اثر اجتناب مالیاتی بر ارزش شرکت تفاوت اساسی با صفر ندارد اما برای شرکت‌هایی که ساختار حاکمیتی قوی (نظیر مالکیت نهادی بالاتر) دارند، رابطه‌ی مثبت میان اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت وجود دارد. یافته‌ی آن‌ها دلالت بر این دارد که در محیطی که نظارت و کنترل به‌طور مؤثر تلاش‌های فرصت‌طلبانه مدیریت را از طریق استفاده از اجتناب مالیاتی محدود می‌کند، اجتناب مالیاتی سود خالص به همراه دارد.

نمازی و سیرانی (۱۳۹۵) با استفاده از تئوری نمایندگی به بررسی ارتباط پاداش مدیران شرکت‌های ایرانی با سود حسابداری، رشد سود و رشد ارزش افزوده بازار و همچنین به بررسی سازه‌های مهم در تعیین پاداش مدیران عامل پرداختند. آنان دریافتند که هر چه مدت قرارداد، طولانی‌تر و ثبات آن بالاتر باشد، موجب افزایش بیشتری در ارزش شرکت خواهد شد و عملاً اغلب طرح‌ها و قراردادهای پاداش فعلی مبتنی بر سود حسابداری است.

سجادی و زارع زاده (۱۳۹۵) به بررسی رابطه بین طرح‌های پاداش مدیران و معیارهای اقتصادی ارزیابی عملکرد را با استفاده داده‌های ترکیبی پرداختند. براساس یافته‌های آنها یکی از راهکارهای تاثیرگذار که باعث کاهش تضاد منافع بین مدیران و سهامداران و بهبود عملکرد مدیران می‌شود ایجاد انگیزه در مدیران با استفاده از طرح‌های مبتنی بر پاداش است. یافته‌های تحقیق نشان داد که بین پاداش پرداختی به مدیران و معیارهای اقتصادی ارزیابی عملکرد رابطه معنی‌داری وجود دارد.

حقیقت و معتمد (۱۳۹۵) رابطه بین نوسان‌پذیری و قابلیت پیش‌بینی سود را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های حاصل از این تحقیق نشان‌دهنده ارتباط منفی بین نوسان‌پذیری و قابلیت پیش‌بینی سود در افق‌های زمانی کوتاهمدت و بلندمدت است. هکچنین نتایج پژوهش حاکی از وجود رابطه مثبت بین نوسان‌پذیری سود فصلی و قابلیت پیش‌بینی سود است که این رابطه از رابطه بین نوسان‌پذیری سود سالانه و قابلیت پیش‌بینی سود قوی‌تر است.

16 Kerana&Mooser

17 Kim et al

18 Wilson

19 Desai&Dharmapala

ایزدی‌نیا و راسائیان (۱۳۹۴) به بررسی رابطه‌ی بین ابزارهای نظارتی راهبری شرکت و معیارهای مالی و اقتصادی ارزیابی عملکرد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش گویای این است که ابزارهای نظارتی راهبری شرکت با تمامی معیارهای عملکرد، رابطه معناداری دارد.

سبزعلی‌پور و همکاران (۱۳۹۴) دریافتند که بین اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره رابطه مثبت و معناداری وجود داشته ولی بین سائز سازوکارهای حاکمیت شرکتی (نظیر مالکیت نهادی، دوگانگی وظیفه مدیرعامل و کیفیت حسابرسی) و دقت پیش‌بینی سود رابطه معناداری وجود ندارد.

۳- فرضیه‌های تحقیق

براساس چارچوب ارائه شده در مبانی نظری و براساس پژوهش‌های قبلی فرضیه‌های تحقیق به صورت زیر بیان می‌شود:

۱. کیفیت حاکمیت شرکتی تاثیر معناداری بر روی اجتناب مالیاتی دارد.

۲. پاداش هیئت‌مدیره تاثیر معناداری بر روی اجتناب مالیاتی دارد.

۴- جامعه آماری و نمونه

جامعه آماری مورد بررسی در این پژوهش، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه‌ی زمانی ۹ ساله بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴ می‌باشد.

روش نمونه‌برداری در این تحقیق مبتنی بر روش حذف سیستماتیک بوده و از بین شرکت‌های دارای شرایط زیر به‌عنوان نمونه انتخاب شده است:

- شرکت‌ها از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۹۴ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد.
 - اطلاعات مورد نیاز جهت محاسبه‌ی متغیرهای تحقیق در مورد آن شرکت‌ها، در طول دوره تحقیق در دسترس باشد.
 - سال مالی شرکت منتهی به ۲۹ اسفند هر سال باشد و شرکت در دوره مورد مطالعه سال مالی خود را تغییر نداده باشد.
 - وقفه معاملاتی بیش از ۶ ماه نداشته باشد و سهام شرکت طی سال مورد معامله قرار گرفته باشد.
 - تا سال ۱۳۹۴ از لیست شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران خارج نشده باشند.
- با توجه به ماهیت ترکیبی بودن داده‌ها، تعداد مشاهدات این تحقیق ۸۱۰ سال-شرکت می‌باشد.

۶- مدل‌های تحقیق

برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از دو مدل رگرسیون به شرح زیر استفاده شده است:

مدل ۱:

$$Tax\ avoidance_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 CGO_{i,t} + \alpha_2 MTB_{i,t} + \alpha_3 Size_{i,t} + \alpha_4 ROA_{i,t} + \alpha_5 Leverage_{i,t} + \alpha_4 Sales_{i,t} + \varepsilon_{it}$$

مدل ۲:

$$Tax\ avoidance_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 Incentives_{i,t} + \alpha_2 MTB_{i,t} + \alpha_3 Size_{i,t} + \alpha_4 ROA_{i,t} + \alpha_5 Leverage_{i,t} + \alpha_4 Sales_{i,t} + \varepsilon_{it}$$

در ادامه تعریف عملیاتی متغیرها و نحوه محاسبه آنها تبیین می‌گردد:

متغیر وابسته

اجتناب مالیاتی: در این مطالعه شرکت‌ها براساس نرخ موثر مالیاتی، به ۲ بخش تقسیم می‌شوند. شرکت‌هایی که نرخ موثر مالیاتی بالاتری نسبت به میانگین بقیه شرکت‌ها دارند در بخش ۱ که در این بخش شرکت‌ها به دنبال استفاده از اجتناب مالیاتی هستند طبقه‌بندی می‌شوند. و شرکت‌هایی که نرخ موثر مالیاتی کمتری نسبت به بقیه شرکت‌ها دارند در بخش ۲ که در این بخش شرکت‌ها به دنبال استفاده از اجتناب مالیاتی نیستند طبقه‌بندی می‌شوند.

ما برای تقسیم‌بندی شرکت‌ها که به دنبال استفاده از اجتناب مالیاتی هستند، از روش تفاوت نرخ موثر مالیاتی کل استفاده می‌کنیم.

هزینه مالیات

نرخ موثر مالیات (ETR): $\frac{\text{سود قبل از مالیات}}{\text{هزینه مالیات}}$

متغیر مستقل

کیفیت حاکمیت شرکتی: که طبق آیین‌نامه نظام راهبری شرکتی مصوب سال ۱۳۸۶ و همچنین بر اساس مقاله حساس-یگانه (۱۳۸۵)، این متغیر کیفی با توجه به ۶۹ عامل اندازه‌گیری می‌شود. به طوری که اگر هر یک از عوامل مصداق داشته باشند کد یک و در غیر این صورت کد صفر لحاظ خواهد شد. در پایان از روش‌شناسی و کدگذاری و انباشت کدها به منظور عملیاتی کردن متغیر کیفیت حاکمیت شرکتی استفاده می‌شود. بر اساس این متدولوژی به هر کدام از عوامل ۶۹ گانه حاکمیت شرکتی امتیاز صفر یا یک (با توجه به تعریف عملیاتی شده) اختصاص یافته است که از جمع زدن این امتیازها، نمره حاکمیت شرکتی را بر اساس درصد محاسبه می‌کنیم. این ۶۹ مورد به ۷ زیرمجموعه، شامل هیئت‌مدیره، کمیته‌های هیئت‌مدیره، افشا و شفافیت، کنترل‌های داخلی و حقوق سهامداران تقسیم می‌شود.

پاداش هیئت‌مدیره: بر مبنای ماده ۱۳۴ قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، در صورتیکه در اساسنامه پیش‌بینی شده باشد، مجمع عمومی می‌تواند مطابق با ماده ۲۴۱ همین قانون، نسبت معینی از سود خالص سالانه شرکت را به عنوان پاداش به اعضای هیئت‌مدیره تخصیص دهد؛ با این شرط که میزان پاداش در نظر گرفته شده برای مدیران نباید در شرکت‌های سهامی عام از ۵ درصد سودی که در همان سال به صاحبان سهام پرداخت می‌شود و در شرکت‌های سهامی خاص از ۱۰ درصد سودی که در همان سال به صاحبان سهام پرداخت می‌شود، تجاوز کند. همچنین اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره حق ندارند به جز آنچه در این ماده پیش‌بینی شده است، در قبال سمت مدیریت خود بطور مستمر یا غیرمستمر بابت حقوق یا پاداش یا حق الزحمه وجهی از شرکت دریافت کنند.

متغیرهای کنترلی

متغیرهای کنترلی این پژوهش به شرح زیر می‌باشند:

(الف) ارزش بازار به ارزش دفتری: همانطور که در نظریه‌های گوناگون تشریح کننده ساختار سرمایه شرکت، اجماع وجود ندارد، در خصوص ارتباط بین فرصت‌های رشد شرکت و سطح بدهی آن نیز اتفاق نظر وجود ندارد. برطبق نظریه تجارت (کراس و لیتزبرگ، ۱۹۷۳؛ اسکات، ۱۹۷۷)، استفاده از بدهی، احتمال ورشکستگی را افزایش می‌دهد که ممکن است حاکی از کاهش فرصت‌های رشد آتی باشد. بدین ترتیب، در اینجا یک رابطه منفی بین فرصت‌های رشد و بدهی، وجود داشته باشد.

نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری دارایی‌ها به عنوان شاخصی برای رشد شرکت در نظر گرفته می‌شود. دو شاخص دیگر برای رشد شرکت‌ها در نظر گرفته می‌شود که عبارتند از: تغییرات در فروش که از طریق لگاریتم فروش محاسبه می‌شود و نسبت مخارج سرمایه‌ای (Capex) که از تقسیم مخارج سرمایه‌ای به دارایی‌ها به دست می‌آید.

(ب) اندازه شرکت: شرکت‌های بزرگتر ممکن است به دلیل تنوع‌بخشی، کمتر با ریسک نکول مواجه باشند. تئوری موازنه پیش‌بینی می‌کند که شرکت‌های بزرگ گرایش بیشتری به اهرم بالا دارند. برای تعیین اندازه شرکت، در پژوهش‌های مختلف از شاخص‌های متفاوتی استفاده شده است. در این پژوهش از لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌ها استفاده می‌شود.

(ج) سودآوری: سودآوری به وسیله تقسیم سود قبل بهره و مالیات و استهلاک به کل دارایی‌ها محاسبه می‌شود.

(د) اهرم مالی: به حد و اندازه‌ای که یک شرکت از طریق استقراض، تامین مالی نموده است، دلالت دارد و در این تحقیق از نسبت ارزش دفتری کل بدهی‌ها به ارزش دفتری کل دارایی‌ها برای محاسبه اهرم مالی استفاده می‌شود.

(و) فروش به کل دارایی‌ها: از تقسیم فروش خالص شرکت بر روی کل دارایی‌ها محاسبه می‌شود.

۷- یافته‌های پژوهش

۷-۱- آمار توصیفی

با توجه به نگاره ۱، میانگین اجتناب مالی شرکت‌های نمونه به ترتیب برابر با ۰۰,۱۰۹۰ بوده و کمترین و بیشترین مقدار آن برابر با ۰,۰ و ۰,۲۲۰۰ می‌باشد. بر اساس آمار توصیفی ارائه شده در نگاره ۴-۱، میانگین کیفیت حاکمیت شرکتی و پاداش هیئت‌مدیره شرکت‌های نمونه طی بازه زمانی تحقیق مثبت و به ترتیب برابر با ۰,۲۱۰۸ و ۰,۱۸۲۱ بوده است. همچنین میانگین مثبت ارزش بازار به ارزش دفتری، اندازه شرکت، بازده دارایی‌ها، اهرم مالی و فروش به دارایی‌ها به ترتیب برابر با ۱,۵۰۲۲، ۱۳,۳۹۰۹، ۰,۱۵۲۴، ۰,۶۵۳۴ و ۰,۹۸۲۳ بوده است.

جدول (۱)- آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	تعداد مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	کمترین مقدار	بیشترین مقدار	چولگی	کشیدگی	مقدار جارگ برا	احتمال
اجتناب مالیاتی	810	۰,۱۰۹۰	۰,۰۸۳۷	۰,۰	۰,۲۲۰۰	-۰,۰۷۶۳	۱,۴۶۸۲	۸۸,۱۷۰۹۰	۰,۰۰۱
کیفیت حاکمیت شرکتی	810	۰,۲۱۰۸	۰,۰۷۶۳	۰,۰۹۰۰	۰,۴۲۰۰	۰,۹۱۰۴	۳,۳۲۹۱	۱۲۷,۴۱۱	۰,۰۰۱
پاداش هیئت‌مدیره	810	۰,۱۸۲۱	۰,۱۶۸۷	-۰,۶۵۱۵	۰,۸۴۲۱	۰,۰۲۲۴	۴,۷۲۹۰	۱۱۱,۳۱۰۲	۰,۰۰۱
ارزش بازار به ارزش دفتری	810	۱,۵۰۲۲	۰,۸۱۴۰	۰,۶۱۰۰	۱۰,۲۱۰۰	۴,۳۴۳۸	۳۵,۵۱۸	۴۲۱۵۴,۵۹	۰,۰۰۱
اندازه شرکت	810	۱۳,۳۹۰۹	۱,۵۷۴۴	۰,۶۰۰۰	۱۸,۴۵۰۰	۰,۰۰۹۰	۸,۴۷۷۴	۱۱۱۶,۳۶۱	۰,۰۰۱
بازده دارایی‌ها	810	۰,۱۵۲۴	۰,۱۳۵۹	-۰,۲۵۰۰	۰,۹۷۰۰	۱,۲۷۰۳	۶,۸۸۳۰	۸۰۱,۲۱۱۴	۰,۰۰۱
اهرم مالی	810	۰,۶۵۳۴	۰,۱۹۱۲	۰,۱۰۰۰	۲,۰۸۰۰	۰,۶۹۷۹	۹,۱۵۰۶	۱۴۸۰,۱۳	۰,۰۰۱
فروش به دارایی‌ها	810	۰,۹۸۲۳	۰,۵۶۹۰	۰,۰	۵,۵۷۸۴	۲,۱۱۸۱	۱۲,۲۳۱۸	۳۸۳۸,۸۸	۰,۰۰۱

منبع: یافته‌های محقق

۷-۲- نتایج آزمون همبستگی پیرسون

جدول (۲) بررسی همبستگی متغیرهای پژوهش

	اجتناب مالیاتی	کیفیت حاکمیت شرکتی	پاداش هیئت‌مدیره	ارزش بازار به ارزش دفتری	اندازه شرکت	بازده دارایی	اهرم مالی	فروش به دارایی
اجتناب مالیاتی (P-Value)	۱							
کیفیت حاکمیت شرکتی (P-Value)	-۰,۰۸۵۹ (۰,۰۱۰۱)	۱						
پاداش هیئت‌مدیره (P-Value)	۰,۰۱۹۱ (۰,۵۶۸۱)	-۰,۰۱۸۲ (۰,۵۸۶۰)	۱					
ارزش بازار به ارزش دفتری (P-Value)	-۰,۰۱۳۴ (۰,۶۸۹۱)	-۰,۰۴۰۴ (۰,۲۲۶۸)	-۰,۰۲۵۳ (۰,۴۴۸۸)	۱				
اندازه شرکت (P-Value)	۰,۰۹۲۶ (۰,۰۰۵۶)	۰,۰۴۱۹ (۰,۲۱۰۸)	۰,۰۴۳۵ (۰,۱۹۳۴)	-۰,۱۳۶۶ (۰,۰)	۱			

بازده دارایی‌ها (P-Value)	۰,۳۴۹۸ (۰,۰)	۰,۰۰۵۴ (۰,۸۷۰۲)	۰,۰۸۳۵ (۰,۰۰۱۲۵)	۰,۴۷۱۵ (۰,۰)	۰,۰۳۹۹ (۰,۲۳۲۵)	۱		
اهرم مالی (P-Value)	-۰,۰۶۵۲ (۰,۰۵۱۳)	-۰,۰۱۰۱ (۰,۷۶۲۷)	-۰,۰۸۸۸۷ (۰,۰۰۰۷۹)	۰,۱۱۹۸ (۰,۰۰۰۳)	۰,۱۰۶۰ (۰,۰۰۱۵)	-۰,۴۳۳۱ (۰,۰)	۱	
فروش به دارایی‌ها (P-Value)	۰,۰۴۱۶ (۰,۲۱۴۲)	۰,۰۵۹۰ (۰,۰۷۷۹)	۰,۰۰۸۸ (۰,۷۹۱۵)	۰,۰۵۲۸ (۰,۱۱۴۳)	-۰,۰۷۹۰ (۰,۰۱۸۱)	۰,۰۴۷۱ (۰,۱۵۸۹)	-۰,۰۵۶۲ (۰,۰۹۳۲)	۱

منبع: یافته‌های محقق

۳-۷- تجزیه و تحلیل داده‌ها و انتخاب الگو برای مدل تحقیق

۳-۷-۱- تعیین نوع داده‌های تابلویی

در این بخش به منظور تشخیص تلفیقی یا ترکیبی بودن فرضیه‌های پژوهش از آزمون F لیمر استفاده شده است. برای انتخاب مدل بهتر از میان اثرات تصادفی و اثرات ثابت از آزمون هاسمن استفاده می‌کنیم.

جدول (۳) نتایج آزمون F لیمر و هاسمن

فرضیه‌ها	آزمون F لیمر		آزمون هاسمن		Cross-section
	Chi2	P_value	Chi2	P_value	
فرضیه ۱	۴,۲۸	۰,۰۰۰۱	۱۲,۸۳	۰,۰۴۵۷	اثرات ثابت
فرضیه ۲	۴,۳۴	۰,۰۰۰۱	۱۴,۳۶	۰,۰۲۵۹	اثرات ثابت

۳-۷-۲- آزمون ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی

یکی دیگر از مراحل پنل دیتا قبل از آزمون‌های نهایی فرضیه‌های پژوهش، بررسی ناهمسانی واریانس‌ها و خودهمبستگی مدل‌های طراحی شده است. فرض صفر آزمون ناهمسانی واریانس‌ها، مبتنی بر عدم وجود ناهمسانی واریانس‌ها و همچنین فرض صفر آزمون خودهمبستگی، مبتنی بر عدم وجود خودهمبستگی می‌باشد.

جدول (۴) آزمون ناهمسانی واریانس‌ها

متغیرها	آزمون ناهمسانی واریانس		
	LRchi2	P-Value	نتیجه آزمون
فرضیه ۱	۱۴۵,۳۴	۰,۰۰۰۲	ناهمسانی دارد
فرضیه ۲	۱۴۰,۴۶	۰,۰۰۰۴	ناهمسانی دارد

جدول (۵) نتایج آزمون خودهمبستگی

متغیرها	آزمون خودهمبستگی		
	F	P-Value	نتیجه آزمون
فرضیه ۱	۳۷,۶۸۰	۰,۰۰۰۱	خودهمبستگی دارد
فرضیه ۲	۳۷,۶۱۴	۰,۰۰۰۱	خودهمبستگی دارد

۴-۷- تخمین مدل با استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم یافته

پس از بررسی ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی سریالی داده‌ها و با توجه به نتایج جداول قبل برای تخمین مدل از روش حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده می‌کنیم.

۱. کیفیت حاکمیت شرکتی تاثیر معناداری بر روی اجتناب مالیاتی دارد.

مدل مربوط به فرضیه ۱:

$$Tax\ avoidance_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 CGO_{i,t} + \alpha_2 MTB_{i,t} + \alpha_3 Size_{i,t} + \alpha_4 ROA_{i,t} + \alpha_5 Leverage_{i,t} + \alpha_4 Sales_{i,t} + \varepsilon_{it}$$

جدول (۶) نتایج حاصل آزمون از فرضیه ۱

متغیر	تعریف	شیب رگرسیون	انحراف معیار	احتمال آماره
CGO	کیفیت حاکمیت شرکتی	-۰,۱۱۹۸۸۷۹	۰,۰۳۲۳۰۹۶	۰,۰۰۱
MTB	ارزش بازار به ارزش دفتری	-۰,۰۳۰۰۱۰۶	۰,۰۰۳۵۳۷۹	۰,۰۰۱
Size	اندازه شرکت	-۰,۰۰۹۲۹۸	۰,۰۰۱۶۲۵۱	۰,۰۰۱
ROA	نرخ بازده داراییها	۰,۳۴۷۵۰۸۴	۰,۰۲۳۲۴۸	۰,۰۰۱
Leverage	اهرم مالی	۰,۰۷۲۱۰۵۶	۰,۰۱۴۶۲۵۶	۰,۰۰۱
Sales	فروش به کل داراییها	۰,۱۹۸۲۸۳۳	۰,۰۲۵۵۵۴۹	۰,۱۶۶
ضریب تعیین				۰,۵۶۳۲۵۸
ضریب تعیین تعدیل شده				۰,۵۴۲۱۳۶
آماره کای دو				۲۵۰,۹۸
احتمال کای دو				۰,۰۰۰۱

۷-۴-۱- نتایج حاصل از آزمون فرضیه ۱:

نتایج ارائه شده فرض صفر مدل رگرسیون رد شده و کلیت مدل معنا دار و قابل قبول است.

در بررسی معنی داری ضرایب با توجه نتایج ارائه شده از آنجایی احتمال آماره برای ضریب کیفیت حاکمیت شرکتی از ۰/۰۵ می باشد (۰,۰۰۱)، در نتیجه وجود رابطه معنی داری بین کیفیت حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی در سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید می شود. بنابراین فرضیه ۱ تایید می شود و با اطمینان ۹۵ درصد می توان گفت کیفیت حاکمیت شرکتی بر اجتناب مالیاتی تاثیرگذار است و رابطه معناداری وجود دارد. منفی بودن ضریب این متغیر (-۰,۱۱۹۸۸۷۹) حاکی از وجود رابطه معکوس کیفیت حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی می باشد به طوری که با افزایش ۱ واحدی کیفیت حاکمیت شرکتی، اجتناب مالیاتی شرکتها نیز به میزان ۰,۱۱۹۸۸۷۹ واحد کاهش می یابد.

این نتایج با مبانی نظری تائوژنگ (۲۰۱۵) و پورحیدری و سروستانی (۱۳۹۳) که رابطه منفی بین کیفیت حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی را نشان داده اند سازگار است. البته در تحقیق استیکنی و مکگی (۲۰۱۳) رابطه مثبت بین کیفیت حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی بیان شده است.

همچنین تاثیر متغیرهای نرخ بازده داراییها و اهرم مالی بر روی اجتناب مالیاتی مثبت بوده و تاثیر ارزش بازار به ارزش دفتری و اندازه شرکت بر روی اجتناب مالیاتی منفی می باشد اما تاثیر فروش به ارزش دفتری داراییها بر روی اجتناب مالیاتی بی معنی می باشد.

۲. پاداش هیئت مدیره تاثیر معناداری بر روی اجتناب مالیاتی است.

مدل مربوط به فرضیه ۲:

$$Tax\ avoidance_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 Incentives_{i,t} + \alpha_2 MTB_{i,t} + \alpha_3 Size_{i,t} + \alpha_4 ROA_{i,t} + \alpha_5 Leverage_{i,t} + \alpha_4 Sales_{i,t} + \varepsilon_{it}$$

جدول (۷) نتایج حاصل از آزمون فرضیه ۲

متغیر	تعریف	شیب رگرسیون	انحراف معیار	احتمال آماره
Incentives	پاداش هیئت‌مدیره	-۰,۰۱۰۲۳۳۸	۰,۰۱۵۰۰۱۰۶	۰,۰۴۹
MTB	ارزش بازار به ارزش دفتری	-۰,۰۲۹۳۷۴۴	۰,۰۰۳۵۶۳۱	۰,۰۰۱
Size	اندازه شرکت	-۰,۰۰۸۹۷۶۱	۰,۰۰۱۶۳۶۴	۰,۰۰۱
ROA	نرخ بازده دارایی‌ها	۰,۳۴۶۰۳۴۷	۰,۰۲۳۴۶۵۱	۰,۰۰۱
Leverage	اهرم مالی	۰,۰۷۱۱۵۱۸	۰,۰۱۴۷۶۱۲	۰,۰۰۱
Sales	فروش به کل دارایی‌ها	۰,۰۰۴۹۲۷۸	۰,۰۰۴۳۳۰۲	۰,۲۵۵
	ضریب تعیین			۰,۴۹۳۲۱۰
	ضریب تعیین تعدیل شده			۰,۴۵۶۷۲۳
	آماره کای‌دو			۲۳۴,۲۲
	احتمال کای‌دو			۰,۰۰۰۱

۷-۴-۲- نتایج حاصل از آزمون فرضیه ۲:

نتایج ارائه شده فرض صفر مدل رگرسیون رد شده و کلیت مدل معنا دار و قابل قبول است. در بررسی معنی‌داری ضرایب با توجه نتایج ارائه شده از آن‌جایی احتمال آماره برای ضریب پاداش هیئت‌مدیره از ۰/۰۵ می‌باشد (۰,۰۴۹)، در نتیجه وجود رابطه معنی‌داری بین پاداش هیئت‌مدیره و اجتناب مالیاتی در سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید می‌شود. بنابراین فرضیه ۲ تایید می‌شود و با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت پاداش هیئت‌مدیره بر اجتناب مالیاتی تاثیرگذار است و رابطه معناداری وجود دارد. منفی بودن ضریب این متغیر (-۰,۰۱۰۲۳۳۸) حاکی از وجود رابطه معکوس پاداش هیئت‌مدیره و اجتناب مالیاتی می‌باشد به طوری که با افزایش ۱ واحدی پاداش هیئت‌مدیره، اجتناب مالیاتی شرکت‌ها نیز به میزان ۰,۰۱۰۲۳۳۸ واحد کاهش می‌یابد.

این نتایج با مبانی نظری کیم و همکاران (۲۰۱۵) و سعد مرتضی صدیقی (۲۰۱۴) که رابطه منفی بین پاداش هیئت‌مدیریتی و اجتناب مالیاتی را نشان داده‌اند سازگار است همچنین تاثیر متغیرهای نرخ بازده داراییها و اهرم مالی بر روی اجتناب مالیاتی مثبت بوده و تاثیر ارزش بازار به ارزش دفتری و اندازه شرکت بر روی اجتناب مالیاتی منفی می‌باشد اما تاثیر فروش به ارزش دفتری دارایی‌ها بر روی اجتناب مالیاتی بی‌معنی می‌باشد.

۸- پیشنهادات

بر مبنای یافته‌های حاصل از پژوهش پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

۱- نتایج این تحقیق نشان داد که اجتناب مالیاتی بر رابطه بین نرخ موثر مالیاتی کل و اهرم مالی تاثیرگذار است. بنابراین پیشنهاد می‌شود مدیران شرایطی را فراهم کنند که بتوانند از صرفه‌جویی‌های ناشی از معافیت‌ها و طرح‌های تشویقی مالیاتی برای کاهش نرخ موثر مالیاتی استفاده کنند. زیرا اجتناب مالیاتی با استفاده کردن از خلأهای قانونی و مشوق‌های نرخ موثر مالیات و در نهایت مالیات را کاهش می‌دهد.

۲- پیشنهاد می‌شود که با گسترش مطالعات و ادبیات نظری حاکمیت شرکتی فعالان بورس، اعضاء هیئت‌مدیره شرکت‌ها، سهامداران، شرکت‌های حسابرسی، پژوهشگران و ... با مباحث حاکمیت شرکتی بیشتر آشنا شده تا بتوانند به نحو مناسبی به ایفای نقش در حاکمیت شرکتی و نتیجتاً تأثیر بر کاهش سطح اجتناب مالیاتی شرکت‌ها بپردازند.

۳- پیشنهاد می‌گردد با توجه به تاثیر معنادار و منفی پاداش هیئت‌مدیره بر روی اجتناب مالیاتی، شرکت‌ها پاداش هیئت‌مدیره خود را برای کاهش اجتناب مالیاتی افزایش دهند، زیرا در گاهی مواقع مشاهده شده سازمان امور مالیاتی شرکت‌هایی را که اجتناب مالیاتی داشته‌اند با مبالغ سنگین جریمه نموده و موجب خروج نقدینگی از شرکت شده است.

پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده

- ۱- پیشنهاد می‌شود تاثیر بین اجتناب مالیاتی و گزارشگری مالیاتی بررسی شود.
- ۲- با توجه به اینکه پاداش هیئت‌مدیره در این تحقیق جزو پاداش‌های کوتاه‌مدت می‌باشد، بهتر است تاثیر پاداش‌های بلندمدت هیئت‌مدیره از قبیل مزایای مالکیت سهام عادی، پاداش بر مبنای عملکرد و ... را نیز بر روی سودآوری مورد بررسی قرار دهند.
- ۳- بررسی کاستی‌های آئین‌نامه راهبری شرکتی ایران.
- ۴- رابطه بین ساختار مالی شرکت‌ها و وضعیت حاکمیت شرکتی در آن‌ها.

فهرست منابع:

منابع فارسی:

۱. باباجانی، ج. و عبدی، م. (۱۳۸۹). رابطه حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات شرکت‌ها. *مجله پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۶۵-۸۶.
۲. بولو، ق. (۱۳۸۵). نظام راهبری شرکت و تأثیر آن بر کیفیت سود. *سایت بورس*، شماره ۵۲.
۳. حساس یگانه، ی. (۱۳۸۳). حاکمیت شرکتی و تأثیر آن بر گزارشگری. *همایش گزارشگری مالی*، ۱-۲۱.
۴. حساس یگانه، ی. (۱۳۸۴). چارچوب نظری حاکمیت شرکتی. *مجله حسابداری*، شماره ۱۶۸.
۵. رهنمای رودپشتی، ف.، هیبتی، ف.، طالب نیا، ق. و نبوی چاشمی، س. (۱۳۹۱). ارائه الگوی سنجش تأثیر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود در بورس اوراق بهادار تهران. *فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت*، ۷۹-۱۰۰.
۶. سوری، ع. (۱۳۹۲). *اقتصادسنجی پیشرفته*. تهران: نشر فرهنگ شناسی.
۷. قدرتی، ح. و فیضی، س. (۹۴). تأثیر حاکمیت شرکتی بر میزان مدیریت سود در بازار بورس اوراق بهادار تهران. *دانش حسابداری*، ۱-۲۸.
۸. گجراتی، د. (۱۳۸۱). *مبانی اقتصادسنجی*. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- مهرانی، س.، فروغی، د.، کردتبار، ح. و رسائیان، ا. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر ابزارهای نظارتی حاکمیت شرکتی در کاهش مدیریت سود. *فصلنامه فرآیند مدیریت و توسعه*، شماره ۷۶.
۹. مهرانی، ک. و صفرزاده، م. (۱۳۹۰). تبیین ارتباط حاکمیت شرکتی و کیفیت سود با رویکرد بومی. *مجله دانش حسابداری*، ۶۹-۹۸.
۱۰. باباجانی، ج. و عبدی، م. (۱۳۸۱). *رابطه حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات شرکت‌ها*. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۶۵-۸۶.
۱۱. بحری ثالث، ج.، بهنمون، ی. و مددی زاده، ا. (۱۳۹۳). ویژگی‌های هیات مدیره و اجتناب مالیاتی. *فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت* شماره ۲۲، ۵۳-۶۷.
۱۲. پارسائیان، ع. و جهانخانی، ع. (۱۳۷۴). *مدیریت مالی جلد ۲*. تهران: سمت.
۱۳. پور حیدری، ا. و سروستانی، ا. (۱۳۹۲). شناسایی و تبیین عوامل موثر بر مدیریت مالیات. *دانش حسابداری*، ۸۹-۱۱۰.
۱۴. جهرومی، م. (۱۳۹۰). شفافیت شرکت‌ها و اجتناب از مالیات. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده مدیریت دانشگاه تهران*.
۱۵. حساس یگانه، ی. و گل محمدی شورکی، م. (۱۳۹۰). رابطه بین نرخ موثر مالیات و ویژگی‌های شرکت‌ها. *پژوهش‌نامه مالیاتی*، ۲۴۰-۲۶۳.
۱۶. حسنی، م. و شفیع، س. (۱۳۸۹). تخمین نرخ موثر مالیاتی در پایه‌های مشاغل و اشخاص حقوقی. *فصلنامه پژوهش‌نامه مالیات* شماره ۱، ۱۲۵-۱۵۱.
۱۷. خدای پور، ا. و امینی نیا، م. (۱۳۹۲). بررسی ارتباط بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه بدهی و تاثیر مالکیت نهادی بر این رابطه. *پژوهش‌نامه مالیات* شماره ۱۹، ۱۳۵-۱۵۵.

۱۸. ساسان، م.، & جواد، س. (۱۳۹۳). ارتباط بین اجتناب مالیاتی و اختلاف مالیات تشخیصی و ابزاری شرکتهای بورس اوراق بهادار تهران. *مجله حسابداری و مدیریت حسابرسی*، ۱۳-۳۳.

منابع لاتین:

1. Anderson, K., DEli, D., & Gillan, S. (2003). Boards of directors, audit committees and the information content of earnings. *Journal of financing*, 421-453.
2. Black, B. (1992). Shareholder activism and corporate governance in the u.s.a. *Journal of economics*, 957-994.
3. Eliezer, M., Steve, L., & Slezak, L. (2008). Can corporate governance save distressed firms from bankruptcy? an empirical analysis? *Russia: Rev quant finan acc*.
4. Fama, e., & Jensen, m. (1983). Separation of ownership and control. *Journal of law and economics*, 301-325.
5. Gao, L., & Kling, G. (2012). The impact of corporate governance and external audit on compliance to mandatory disclosure requirement in china. *Journal of international accounting*, 17-31.
6. Jensen, m., & Meckling, w. (1976). Theory of the firm: managerial behavior, agency costs, and ownership structure. *Journal of financial economics*, 305-360.
7. Koh, P. (2003). on the association between institutional ownership and aggressive corporate earnings management in australia. *The british accounting review*, 105-128.
8. Lajili, K. (2015). corporate governance bankruptcy filing decisions. *Journal of general management*, 3-26.
9. C.S, A., J, B., A, J & .D, L (۲۰۱۳). Corporate governance incentives and tax avoidance . *ssrn*.
10. Chen, S., Cheng, Q & .Shelvin, T (۲۰۱۰). Are family firms more tax aggressive than non-family firms? *Journal of financial economics* 95۶۱-۴۱ ,
11. Dhaliwal, D., Heitzman, S & .Li, O (۲۰۰۶). Taxes, Leverage, and the cost of equity capital . *Journal of accounting research* 44۷۲۳-۶۹۱ ,
12. Hanlon, M & .Heitzman, S (۲۰۱۰). A review of tax research *Journal of accounting and economics*.
13. Siddiqui, S. M (۲۰۱۳). MARKET FRICTIONS: FINANCING DECISION AND FIRM VALUE EFFECTS .The University of Memphis: ProQuest LLC.(۲۰۱۴)
14. S.O, R (۲۰۰۳). Tax avoidance activities of u.s multinational corporation contemporary . *Accounting Research* ۸۳۳-۸۰۵ ,
15. Y.D, L (۲۰۱۱). Tax avoidance cost of debt and shareholder activism *Journal of Banking and finance* ۴۷۰-۴۵۶ ,
16. Christopher, A & Jeniffer, B & Jagolinzer, A (2015) Corporate Governance, Incentives and tax avoidance. *The journal of finance and economics*. 1-17.